هدم المعابد

حضرة الباب

نسخه اصل فارسی



هدم المعابد

- "فی ارتفاع کلّ بقاع کانت فوق الارض ملخّص این باب آنکه در هر ظهوری که من عند الله ظاهر میگردد بقاعی که قبل بوده مرتفع میگردد چنانچه امروز کسی در دین رسول الله می بیند بقاع اوصیای عیسی را بلکه اسامی آنها را نمیدانند چگونه و محلّ قبور آنها برسد و همچنین بعد از ظهور آن کلّ قبوری که بر فوق ارض مرتفع است مرتفع میگردد از مظهر نبوّت گرفته تا مظهر شیعه منتهی گردد بلکه قبوریکه نسبت بانبیای قبل میدهند در کوفه یا در سایر امکنه باید مرتفع شود وهمچنین محلّ بیت چنانچه می بینی که امّت موسی - علیه السّلام - به بیت المقدّس میروند و امّت عیسی - علیه السّلام - بمقامی که از برای ایشان عیسی مقدّر فرموده وامّت رسول الله صلی الله علیه و آله بکعبه در نفس طین شرف نیست بلکه جوهر این شرف امرالله هست در هرجا که ظاهر شود ظاهر میگردد امروز ببین حدّ مردم را که بقبور یکی از اولاد ائمّه که منسوب باو است چگونه میروند و از مظهری که اثبات نبوّت و ولایت و دین کلّ بآیات نازله بر او میگردد محتجب شده و الّا در جبل ماکو ساکن نگشته و این را تعجّب مکن و تصوّر کن ظهور رسول الله - صلّی الله علیه و اله - را در قبل که امّت عیسی - علیه السّلام - چگونه باعمال دین خود عمل میکردند و رهبانها در معبد های خود عبادت میکردند و آن شمس حقیقت تا هفت سال در جبلی از جبال مکّه بر ید اشخاصی که حقّ او را نمی شناختند محتجب و حال آنکه از حین بعثت آن حضرت حقّ ازهر صاحب حقّی که از امّت عیسی - علیه السّلام - بود منقطع گشت الّا آنکه در ظلّ او واقع شود وبعد از ظهور نقطهٔ بیان هر سنه می بینی که چقدر خلق بمکّه میروند و طواف میکنند و حال آنکه کسی که کعبه بقول او کعبه است در این جبل وحده است و او بعینه همان رسول الله هست زیرا که مثل امر الله مثل شمس است اگر ما لا نهایه طالع شود يك شمس زیاده نیست و کلّ باو قائم هستند این است که در هر ظهور بعدی ظهور الله اشرف است در حقّ مظهر بشأني که ظاهر است که کلّ ظهورات قبل از برای رسول الله - صلّی الله علیه و اله - خلق شده و کلّ ظهورات و آن ظهور از برای قائم آل محمّد - صلّی الله علیه - خلق شده و کل ظهورات و ظهور قائم آل محمّد - صلّی الله علیه - از برای من یظهر الله خلق شده و همچنین کلّ ظهورات و این ظهور و ظهور "من یظهره الله" از برای ظهور بعد "من یظهره الله" خلق شده و کلّ این ظهورات از برای بعد بعد "من یظهره الله" خلق شده و همچنین الی ما لا نهایه شمس حقیقت طالع و غارب میگردد و از برای او بدئی و نهایتی نبوده ونیست طوبی از برای نفسی که در هر ظهوری مراد خدا را در آن ظهور بفهمد نه آنکه نظر بشئون قبل کرده و از او محتجب گردد زیرا که امروز آنچه که در اسلام بر پا شده بواسطه بعثت رسول الله - صلّی الله علیه و اله - شده و آنچه که از دین عیسی - علیه السّلام - مرتفع شده بواسطه همین بعثت بوده وهمچنین اگر در ظهور "من یظهره الله" نظر

کنند می بینند که آنچه که در بیان واقع شده بظهور ذات حروف سبع بوده و آن روز اگر نظر بمبدأ امر نمایند محتجب از او نمیمانند بظهورات مرتفعه در بیان که در نزد هر حکمی نفوس ما لا نهایه خوابیده و بآن مفتخر و عاملند چنانچه امروز دیده میشود که کلّ این ظهورات بیانیّه نزد او در ظلّ یك کلمهٔ او است که بفرماید قد ارفعناه ولی آن را رفع نمیفرماید تا اعظم از آن نازل فرماید وهمین قسم ببین این ظهور را که تا خداوند اعظم از ظهور قبل ظاهر نفرماید امر بارتفاع نمیفرماید و الله علی کلّشیئ قدیر"، البيان الفارسي، ١٢ : ٤

• "فی ارتفاع بقاع الواحد و حکم من ملك شیئا من بقاع فوق الارض بان لا یجوز صرفه الّا فی تلك البقاع مخفی نباشد که هیچ نهار و لیلی نیست مگر آنکه مظاهر حقّه و دون حقّه که در کلّ عوالم بوده در فوق این ارض ظاهر و باطن و کلّ ارواح انسانیّه من لدن آدم تا امروز در هیاکل انسانیه متنعّم وهمین قسم هیاکل دون مؤمنه در هیاکل ناریّه معذب ولی در هر ظهوری حکم خاص ظاهر و کلّ مأمور باتّباع و بعد از غروب مرتفع الی ظهور دیگر در بطون و در این ظهور بیان خداوند دوست نداشته مقعد مرتفعی بیند الّا مقاعد محمّد و آل محمّد - صلّی الله علیهم - و ابواب هدی را که در این ظهور بحروف واحد تعبیر میگردد که دوست میدارد که بنوزده مقعد مرتفع نظر فرماید و مقاعد سایر نبیّین و صدّیقین و شهداء و مؤمنین که افئده ایشان محال اسماء و امثال بوده و هست در ظلّ این مقاعد مستتر تا آنکه بر مردم امر صعب نگشته که اگر کسی خواهد کلّ را احصا نماید نتواند و کلّ در همین واحد اوّل است که تکثّر آن محسوب میگردد عند الله وعند اولی العلم طوبی از برای هر نفسی که موفق شود از برای ارتفاع این مقاعد ممتنعه که محال نزول ملائکه سموات وارض و ما بینهما میگردد و در علم خدا گذشته که مرتفع شود و خواهد شد و مردّی از برای مشیّه الله نبوده و نیست زیرا که او قاهر بوده بر کلّ ممکنات و ظاهر بوده بر کلّ موجودات طوبی از برای نفسی که مجرا از برای ظهور مشیّت او واقع شود که او است بهترین حافظ حدود خداوند در بیان و وعده فرموده خداوند که هر مثقال ذهبی را مضاعف فرماید آن را بدو هزار و در حقّ او ثبت فرماید و باو عطا فرماید آنچه که او راضی شود و الله علی کلّشیئ قدیر و آنچه امروز بقاع هست فوق ارض ازبرای کسی اذن نیست تصرّف کند الّا آنکه در همین بقاع مرتفعه صرف کند زیرا که مال خود این بقاع هست مگر تا ظهور شمس حقیقت است بنهج دیگر اذن داده شود که او است امر الله در حقّ کلّ شیئ و تا امروز که ظاهر نشده غیر این حکم من بعد را خداوند عالم بوده و هست که چه شود و بر مکلّف قبل از ظهور تکلیفی نبوده و نیست و الله بکلّشیئ علیم"، البيان الفارسي، ١٣ : ٤

• "أن يا عبادي فلتنزلن بقاع الأرض ثمّ ما فيها في "الواحد الأوّل" تصرفون"، البيان العربي، ١٢ : ٤

• "إنّ قبور "الواحد" ترفع إذا تأذن في يوم ظهوري إذ بقولي قد رفع من قبل أن يا عبادي إِلَيَّ فترجعون"، البيان العربي، ٥ : ٣

• "أن أنزلوا كلّ بقاع الأرض، ولا تزورون وأنتم في "الواحد" تصرفون بما يعدل ما يصرف في النّقطة الحيّ ثمّ لتزورون إذا أنتم الغناء ثمّ الرّوح في سبيلكم تشهدون"، لوح هيكل الدين، ١١ : ٤

• "ولم يأذن الله دون قبور الحروف وما قد قدّر الله من قبلها وبعدها بقعة منيعة على الأرض فامحوا من دونهنّ ليحيين حقّ الّذينهم شهداء من عند الله على العالمين"، كتاب الجزاء